

پوشش خبری ملی شدن صنعت نفت در روزنامه‌های به سوی آینده و باختر امروز (تحلیل محتوای مطالب دو روزنامه چهار هفته قبل و بعد از رویداد ملی شدن صنعت نفت ایران)

حسینعلی افخمی^۱، مسعودعلیدادی^۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۹/۲۶، تاریخ تایید: ۹۷/۱۲/۱۸

چکیده

این مقاله، با نگاهی تحلیلی- تاریخی به بررسی محتوای دو روزنامه حزبی «بسوی آینده» و «باختر امروز» و نقش آنها در پوشش خبری مبارزات ملی‌شدن صنعت نفت می‌پردازد. در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ احزاب به‌راحتی و با مجوز قانونی در ایران فعالیت می‌کردند و با آگاهی از قدرت و نفوذ سیاسی مطبوعات؛ هر یک هدفمند نشریه‌ای را منتشر می‌کردند. «جبهه ملی ایران» و «حزب توده ایران»، دو حزب قدرتمند در آن دوران بودند که هر دو، نشریه ارگان داشتند. حزب توده از پشتیبانی مردمی و در راستای سیاست‌های بین‌المللی شوروی فعالیت می‌کرد و جبهه ملی ایران نیز متشکل از چندین حزب کوچک و بزرگ بود که بر مرام ناسیونالیسم ایرانی متکی بود. در فرایند ملی‌شدن صنعت نفت، نشریات دو حزب به‌طور مستمر به انتشار اخبار و تحلیل مطالب مرتبط با ملی‌شدن صنعت نفت از دیدگاه سیاست‌های حزب خود توجه ویژه‌ای نشان می‌دادند.

این پژوهش با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای کمی مطالب خبری مربوط به ملی‌شدن صنعت نفت در دو روزنامه «باختر امروز» و «بسوی‌آینده» را تجزیه و تحلیل خواهد کرد که هر کدام به ترتیب، ارگان جبهه‌ملی ایران و حزب توده ایران بودند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که روزنامه باختر امروز، نسبت به روزنامه بسوی‌آینده، در چهار هفته قبل و بعد از ملی‌شدن صنعت نفت ایران، اخبار مثبت‌تری را منتشر کرده است.

واژگان کلیدی: نفت، مصدق، مطبوعات حزبی، حزب توده ایران، جبهه ملی ایران.

^۱ دانشیار دانشکده علوم ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبایی (hafkhami48@hotmail.com).

^۲ دانشجوی دکتری رشته علوم ارتباطات دانشگاه علامه طباطبایی (prmasoudalidadi@yahoo.com).

مقدمه و طرح مسئله

ملی شدن صنعت نفت از جهات مختلفی اهمیت دارد. این موضوع از زاویه‌های گوناگون مورد بررسی قرار گرفته است. اقتصاددانان از جنبه اقتصادی، حقوق‌دانان از جنبه حقوقی، سیاستمداران از جنبه سیاسی، موضوع را مورد کنکاش قرار داده‌اند. یکی از زوایای بسیار مهم، در جریان ملی شدن صنعت نفت، میزان تأثیر و نقش مطبوعات است؛ زیرا در بازه سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ آنچه افکار عمومی را تغذیه می‌کرد، مطبوعات بوده‌اند. مطبوعات، به‌عنوان جریان‌ساز اصلی در جامعه، تلقی می‌شدند و این توانایی را داشتند که الویت‌های مردم را در آن زمان تعیین کنند.

در سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ ما شاهد شکل‌گیری گسترده احزاب در ایران هستیم؛ به‌طوری که این دوره را می‌توان تنها برهه‌ای از تاریخ ایران دانست که احزاب به‌طور آزادانه فعالیت می‌کردند. هرکدام از احزاب برای انتقال تفکرات خود از نشریات، بهره می‌جستند. نشریات، همواره ابزار مهمی برای احزاب سیاسی بوده‌اند. یعنی هر حزبی پس از تأسیس، دست به انتشار نشریه می‌زد تا از آن نشریه، برای تحقق اهداف خود سود جوید (افخمی، ۱۳۸۳: ۱۰۲).

با توجه به اهمیت ملی شدن صنعت نفت در آن دوران و شکل‌گیری احزاب گوناگون با هر گرایش و سلیقه‌ای، این موضوع که هر کدام از مطبوعات حزبی چگونه به مسئله نفت پرداخته‌اند و چه سهمی در ملی شدن صنعت نفت داشته‌اند؛ از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. پژوهش حاضر با استفاده از روش کمی تحلیل محتوا مطالب دو روزنامه «بسوی آینده» و «باختر امروز» بررسی می‌کند. پرسش‌های اصلی این پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

آیا بین دو روزنامه «بسوی آینده» و «باختر امروز»، از نظر جهت‌گیری مطالب خبری مربوط به ملی شدن صنعت نفت، تفاوت‌های معناداری وجود دارد؟
 آیا بین دو روزنامه «بسوی آینده» و «باختر امروز»، از نظر موضوع مطالب خبری مربوط به ملی شدن صنعت نفت، تفاوت‌های معناداری وجود دارد؟
 آیا بین دو روزنامه «بسوی آینده» و «باختر امروز»، از نظر سبک مطالب خبری مربوط به ملی شدن صنعت نفت، تفاوت‌های معناداری وجود دارد؟
 آیا بین دو روزنامه «بسوی آینده» و «باختر امروز»، از نظر سوگیری تیتیر در مطالب خبری مربوط به ملی شدن صنعت نفت، تفاوت‌های معناداری وجود دارد؟

پیشینه و مرور تاریخی

تاکنون ملی شدن صنعت نفت، از جنبه‌های مختلف از جمله اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و تاریخی مورد مطالعه قرار گرفته است، اما با توجه به اهمیت مطبوعات، تاکنون تحقیق جامع و

کاملی که بتواند با بررسی آراء و نظرات احزاب با استناد به مطبوعات ارگان آنها پدیده ملی شدن صنعت نفت را تحلیل و تفسیر کند، کمتر انجام شده است. در اینجا به برخی از تحقیقات پیشین که به ملی شدن صنعت نفت ایران مربوط است و در قالب پایان‌نامه‌های دانشجویی در سال‌های اخیر صورت گرفته اشاره می‌شود:

پایان‌نامه کارشناسی ارشد شهرام فتحی با عنوان «سیاست آمریکا در قبال ملی شدن صنعت نفت» با راهنمایی ایرج ذوقی در گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی دفاع شده است. در این پایان‌نامه به چگونگی شکل‌گیری صنعت نفت و سیاست‌های دولت آمریکا در قبال ملی شدن صنعت نفت پرداخته است.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد محمدرضا مکوندی با عنوان «نقش کارکنان مناطق نفت خیز جنوب در روند ملی شدن صنعت نفت» به راهنمایی علیرضا معتمدی در گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوزستان دفاع شده است. در این پایان‌نامه، به نقش کارکنان مناطق جنوبی کشورمان در روند ملی شدن صنعت نفت پرداخته است.

پایان‌نامه کارشناسی ارشد جبرائیل شهبازی زیر عنوان «بررسی تطبیقی مواضع و عملکرد انگلیس آمریکا در جریان ملی شدن صنعت نفت» با راهنمایی فرامرز تقی‌لو در گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز دفاع شده است. در این پایان‌نامه، مواضع هر یک از کشورهای انگلستان و آمریکا در قبال ملی شدن صنعت نفت ایران بررسی و مقایسه شده است. با توجه به نگرش تاریخی پژوهش حاضر، ضرورت ذکر برخی وقایع و رخداد‌های تاریخی، از زمان اکتشاف نفت در ایران تا زمان ملی شدن نفت و رویدادهای پس از ملی شدن نفت، لازم و ضروری به نظر می‌رسد. آنچه در مبانی نظری این پژوهش به آن خواهیم پرداخت؛ مروری بر تاریخ نفت ایران و سپس آشنایی با تاریخچه و افکار و عقاید دو حزب جبهه ملی ایران و حزب توده ایران می‌باشد.

ملی شدن صنعت نفت ایران در برهه‌ای تاریخی از زمان شکل‌گرفت که به جرئت می‌توان گفت پایه‌گذاری تأثیر و تاثرات جغرافیایی و سیاسی ایران و خاورمیانه را تحت شعاع قرار داد. مشارکت بریتانیا در جریان پیدایش نفت ایران از سال ۱۹۰۱ [۱۲۸۰]، یعنی زمانی که ویلیام ناکس داری امتیاز انحصاری اکتشاف نفت را برای مدت ۶۰ سال در سراسر کشور به دست آورد شروع شد (Henniker, 2013: 16).

شرکت نفت انگلیس و ایران در ۱۲۸۸/۱۹۰۹ شمسی، با سرمایه دو میلیون لیره تأسیس گردید و صدور نفت از ۱۹۱۳ (۱۲۹۳) آغاز شد. دولت انگلستان سال بعد، به علت اهمیت نفت ۵۶ درصد سهام شرکت را خرید و دو نفر نماینده با حق وتو نسبت به تصمیمات شرکت منصوب نمود و در حقیقت، امتیاز نفت ایران، متعلق به دولت انگلیس گردید (روحانی، ۱۳۵۳:

۵۹). دکتر فریر مورخ نفت انگلیس می‌نویسد: «این امر غیرقابل انکار است که سهامدارشدن دولت، روح امتیازنامه داری را به کلی عوض کرد و اثر عظیمی بر موضع آن در روابط بین‌المللی گذارد. از این پس کمپانی، هرچه‌قدر هم تلاش می‌کرد که ادعای استقلال و جدایی از دولت انگلیس داشته باشد، معذالک دیگر نه به چشم یک سازمان متعلق به بخش خصوصی، بلکه به‌صورت یک سرمایه‌گذاری ملی (دولتی) در راه اجرای منویات دولت بریتانیا به آن نگرسته می‌شد» (علم، ۱۳۷۱: ۴۱).

از آنجایی که دولت انگلیس از نفت ایران سود بسیار می‌برد، به‌دنبال آن بود که مدت قرارداد را طولانی کند. او که در عراق به تمديد ۳۵ ساله دست یافته بود، به‌دنبال این توفیق در ایران هم می‌گشت که با عقد قرارداد ۱۹۳۳ توسط رضاخان انگلیسی‌ها به خواسته خود رسیدند (مدنی، ۱۳۷۸: ۲۳۷).

در این دوران نیز مصدق برای نخستین بار به مجلس شورای ملی (مجلس پنجم) راه یافت. مجلس پنجم در دوره‌ای بحرانی انجام وظیفه می‌کرد. خاندان قاجار به‌خاطر عقب‌ماندگی کشور مورد ملامت قرار می‌گرفتند و همه اشتباهات شاهان پیشین قاجار، وبال گردن آخرین پادشاه این خاندان شده بود. شاه، ضعیف بود و ترجیح می‌داد برای فرار از مشکلات جاری مملکت هم که شده، در جنوب فرانسه اقامت نماید. ولیعهد هم که با سیاست آشنا بود، چون برنامه اصلاح‌طلبانه‌ای نداشت، منزوی شد (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۶۱).

از طرفی رضاخان پس از رسیدن به تخت پادشاهی، مستوفی‌الممالک را برای تشکیل کابینه فراخواند و از او خواست پست وزارت‌خارج را به مصدق دهد. مصدق به‌رغم اصرار زیاد و پافشاری دوستش مستوفی، پیشنهاد را نپذیرفت (همان ۶۹-۷۸). همچنین او در بیشتر سال‌های حکومت رضاشاه، در احمدآباد خانه‌نشین و تحت نظر بود و در سال ۱۳۲۰/۱۹۴۰ نیز زندانی و به شمال خراسان تبعید شد که این تبعید، با دخالت ارنست پرون پس از ۱۵ روز تمام شد و مصدق به احمدآباد بازگشت. چند ماه بعد هم تهاجم انگلیس و روس به سلطنت رضاشاه پایان داد (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۶۸).

در شهریور ۱۳۲۰ رضا شاه از قدرت کناره‌گیری کرد و پسرش محمدرضا به پادشاهی رسید. مصدق، شاه جوان را البته همراه با هشدارهای زیرکانه-تحسین می‌کرد. او از شاه برای لغو تبعید داخلی‌اش قدردانی کرد و یادآور شد که سوگندش در مجلس در برابر قانون اساسی بوده است. او همچنین به نمایندگان یادآوری کرد که عهد و سوگند آنان نه به شخص شاه، بلکه به سلطنت مشروطه بوده است. او هشدار می‌داد که: «اگر شاه وارد سیاست شود، در آن صورت باید مسئول باشد و اگر مسئول است، پس باید بتواند پاسخگو باشد». او اغلب این گفته را که «پادشاه باید سلطنت کند، نه حکومت» تکرار می‌کرد (همان: ۷۰).

انتخابات مجلس چهاردهم در اواخر سال ۱۳۲۱ برگزار شد. مصدق از تهران نامزد نمایندگی مجلس شورای ملی شد و نه تنها به نمایندگی برگزیده شد، بلکه میزان آرا او از یازده نماینده دیگر تهران بیشتر بود و بدین ترتیب، نماینده اول تهران شد (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱۱۳)، اما شاه جوان، از روند انتخابات رضایت نداشت. او فکر می‌کرد که آنها تحت تأثیر متفقین قرار گرفته‌اند (Afkhami, 2009: 113).

در سال ۱۳۲۳ نیروهای اشغالگر شوروی ایران را در تصرف خود داشتند. در همین برهه زمانی و در شهریور ماه همان سال، کافتارادزه معاون وزیر خارجه شوروی به ایران آمد و از دولت ایران درخواست واگذاری امتیاز نفت شمال را کرد. در این بین، حزب توده به صورت محتاطانه از پیشنهاد شوروی حمایت کرد. فضا برای مصدق فراهم شده بود تا نظریه سیاست موازنه منفی خود را مطرح و پیش ببرد. مدرس هم در مجلس پنجم ضمن انتقاد از سیاست مستوفی‌الممالک در رابطه با شوروی، خواهان سیاست توازن عدمی در برابر توازن وجودی شده بود (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱۲۱).

کافتارادزه در یک مصاحبه مطبوعاتی، اعلام کرد پیشنهادی برای امتیاز نفت در مناطق شمالی ایران دارد که به دولت خواهد داد. کافتارادزه در ملاقات خود با شاه نیز خاطرنشان کرد که آینده روابط ایران و شوروی به پاسخ مساعد به پیشنهاد او بستگی دارد (موحد، ۱۳۷۸: ۶۵). اکثریت محافظه‌کار مجلس (به‌رغم تفاوت‌های گروهی)، از مخالفت مصدق با تقاضای شوروی حمایت کردند، مصدق نیز برای ایجاد رعب در دل محافظه‌کاران، ابتدا با استفاده از فرصت، به انعقاد قرارداد ۱۳۱۲ نفت شدیداً حمله کرد و خسارت ناشی از آن را برای کشور برشمرد. محافظه‌کاران، همه این حمله‌ها و نیز استدلال مصدق در باب توازن منفی را تحمل کردند تا وی بتواند با آزادی عمل به مبارزه در راه واگذاری به شوروی بپردازد (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱۲۲). واکنش دولت ایران در برابر سخنان نماینده شوروی آن بود که پیش از استقرار صلح و روشن شدن وضع دنیا از دادن هرگونه امتیاز به خارجی‌ان خودداری خواهد کرد و این تصمیمی است که در جلسه یازدهم شهریور ماه هیئت وزیران گرفته شده و بنابراین دولت نمی‌تواند پیشنهاد شوروی را بپذیرد و درباره آن وارد بحث بشود و بهتر است که مذاکرات به بعد از جنگ موکول شود (موحد، ۱۳۷۸: ۶۵).

امتناع دولت ساعد از پذیرفتن پیشنهاد کافتارادزه خشم دولت شوروی را برانگیخت و حزب توده که تا آن زمان با اعطای امتیاز به خارجی‌ان مخالفت می‌نمود، این بار به هواداری از درخواست امتیاز شوروی و به مخالفت با امتناع دولت از قبول آن به تظاهرات وسیع خیابانی دست زد. متن کامل پیشنهاد شوروی هیچ‌گاه در اختیار مردم گذاشته نشد، لیکن اصول کلی آن را کافتارادزه در

کنفرانس مطبوعاتی دوم آبان ماه ۱۳۲۳ فاش ساخت و از همان مقدار که او گفت معلوم شد که آن پیشنهاد به تعبیر دکتر مصدق «تمام کپی» قرارداد نفت جنوب است (همان: ۶۶). عمیق‌ترین پیامد مخالفت با امتیاز نفتی شوروی، آغاز مذاکرات برای بازبینی در موافقتنامه ۱۳۱۲/۱۹۳۳ با شرکت نفت انگلیس و ایران بود. مذاکرات جدید را خود قوام در نوامبر ۱۹۴۷/آبان ۱۳۲۶ یک ماه پس از تصمیم مجلس آغاز کرد. البته این مذاکرات در پشت درهای بسته از سوی سه نخست‌وزیر بعدی؛ یعنی ابراهیم حکیمی (آذر ۱۳۲۶-خرداد ۱۳۲۷)، عبدالحسین هژیر (خرداد-آبان ۱۳۲۷)، محمد ساعد (آذر ۱۳۲۷-فروردین ۱۳۲۹) دنبال شد. نتیجه این مذاکرات، در نهایت موافقتنامه شدیداً بحث‌انگیز الحاقی معروف به قرارداد گس-گلشائیان در تیر ماه ۱۳۲۸ بود که از سوی نویل گس^۱ یکی از مقامات شرکت نفت و عباسقلی گلشائیان وزیر دارایی کابینه ساعد امضا شد. این موافقتنامه برای اجرایی شدن به تصویب مجلس نیاز داشت (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۸۲).

حال و روز شاه در سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۵۱ [۱۳۲۸-۱۳۲۹] چندان خوب نبود؛ چراکه اعلام کرد از همسرش فوزیه جدا می‌شود و بعد از آن نخستین سفرش را به ایالات متحده آمریکا به قصد دیدن رئیس‌جمهور «هری ترومن» آغاز کرد. در این بین، در جریان انتخابات مجلس شانزدهم، پلیس، نامزدهایی را که مورد علاقه شاه نبودند از میدان به در کرد و ایران آشوب شد. پس از انتخابات، دکتر مصدق، مدعی تقلب در انتخابات شد و به‌عنوان اعتراض بست نشینی در محوطه کاخ را آغاز کرد (Farmanfarmaian, 1997:234).

همراهی مردم در جریان این بست‌نشینی که در ۲۲ مهر ۱۳۲۸ انجام گرفت، قابل توجه بود؛ چراکه گروه زیادی از مردم در جلوی خانه مصدق جمع شدند و او را تا سردر سنگی کاخ شاه که در همان نزدیکی بود، همراهی کردند و وی ضمن انتشار بیانیه‌ای در اعتراض به تقلبات انتخاباتی دولت در مناطق خارج از تهران، خواهان الغای آن انتخابات شدند (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱۴۹). مصدق اعلام کرد که این تظاهرات تنها یک شعارسکوت‌داشته و آگاهانه به اصل عدم خشونت گاندى توجه دارد (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۸۹-۹۰). پس از تحصن، حامیان دکتر مصدق، اختلافات حزبی‌شان را کنار گذاشتند و جبهه ملی را تأسیس کردند (Farmanfarmaian, 1997:234). در روز دهم آبان ۱۳۲۸، جبهه ملی رسماً اعلام موجودیت کرد و روزنامه ارگان مخفی حزب توده ایران، رهبران جبهه ملی را عاملان امپریالیسم انگلستان و دربار شاه قلمداد نمود (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱۵۱).

در جریان انتخابات مجلس شانزدهم جو سیاسی، به نفع جبهه ملی و رهبران آن بود. در جریان برگزاری انتخابات تهران، دولت ساعد کنار رفت و زاهدی نیز در انتخابات تقلب نکرد. در

¹Neville Gass

نتیجه، شش تن از رهبران جبهه ملی (مصدق، بقایی، مکی، حائری‌زاده، نریمان و شایگان) به مجلس شانزدهم راه یافتند. آیت‌الله کاشانی نیز - که در فهرست نامزدان جبهه بود - غیاباً به نمایندگی تهران برگزیده شد. هرچند او در مجلس شانزدهم و هفدهم شرکت نکرد. اللهیار صالح از کاشان به مجلس راه یافت (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱۵۳). مصدق در رده نخست فهرست برندگان تهران بود. کاشانی، شایگان، بقایی، مکی، حائری‌زاده و نریمان نیز پس از او قرار داشتند. معظمی، صالح، رضوی و آزاد از شهرهای خود یعنی گلپایگان، کاشان، کرمان و سبزوار به‌عنوان نماینده انتخاب شدند. این یازده نماینده، بلافاصله فراکسیون وطن را در مجلس تشکیل دادند (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۹۶-۹۷). پس از اینکه مجلس شانزدهم در اواخر سال ۱۹۴۹ کار خود را آغاز کرد، قرارداد نفتی ایران و انگلیس موضوع اصلی بحث در بین سیاستمداران شد (Zabih, 1982:20).

قرارداد تکمیلی نفت - که اوایل تابستان ۱۹۴۹ به امضاء رسیده بود - با مخالفت جدی مجلس پانزدهم روبه‌رو شد و مجلس پایان یافت، در صورتی که بحث درباره لایحه قرارداد مذکور ادامه داشت. در آخرین روزهای عمر مجلس پانزدهم، هسته‌ای از نمایندگان در مجلس تشکیل شد که با قرارداد مذکور مخالف بودند و با بحث و جدل زیاد از تصویب این قرارداد جلوگیری کردند (همان: ۲۰).

شاه که نتوانسته بود سیاستمداران پوست‌کلفتی برای حمایت از موافقتنامه الحاقی پیدا کند، پس از تردیدهای بسیار به ژنرال علی رزم‌آرا روی آورد. برداشت رزم‌آرا این بود که موافقتنامه را بعداً به مجلس خواهد داد و بر همین اساس، نخست‌وزیری را پذیرفت. ترس شاه از این بود که برخی افسران، همان بلایی را به سرش بیاورند که پدرش بر سر خاندان سلطنتی قبلی آورده بود. شاه به‌ویژه در مورد رزم‌آرا محتاط بود؛ زیرا او هواداران زیادی بین افسران جوان‌تر با گرایش‌های چپ داشت. شاه پیش‌تر در گفت‌وگویی با سفیر بریتانیا، رزم‌آرا را به‌عنوان «یک افعی که باید له شود» توصیف کرده بود. شاه می‌گفت او «ناسپاس، حقه باز و فقط کمی بهتر از عمال روس است» (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۱۰۱).

در مهر ماه ۱۳۲۹، نمایندگان جبهه ملی در مجلس شورا، رزم‌آرا را به‌عنوان تعلل در اجرای قانون ۲۹ مهرماه ۱۳۲۶ استیضاح کردند. مصدق در جریان استیضاح گفت: رزم‌آرا را «برای اجرای قرارداد گس-گلشاییان آورده‌اند» و از نمایندگان مجلس خواست تا «به سینه این نامحرم، دست رد بزنند» و تأکید کرد که این «سپهد می‌خواهد دست و کلا را ببندد و تسلیم شرکت نفت نکند». در نهایت با مشاجراتی که در گرفت، رزم‌آرا موافقت خود را با لایحه الحاقی اعلام کرد (موحد، ۱۳۷۸: ۱۰۵-۱۱۰). در ۴ آذر ۱۳۲۹، کمیسیون نفت به اتفاق آراء با لایحه نفت مخالفت نمود و تأکید کرد که قرارداد الحاقی را برای استیفای حقوق ایران کافی نمی

دادند. در همین جلسه، پیشنهادی از سوی جبهه ملی به منظور ملی کردن صنعت نفت مطرح شد که کمیسیون آن را قبول نکرد (همان: ۱۱۲). در شانزدهم اسفندماه ۱۳۲۹ یعنی پیش از پذیرش درباره موافقتنامه ۵۰/۵۰ توسط شرکت نفت، ژنرال رزم‌آرا توسط فداییان در مسجد شاه تهران توسط خلیل طهماسبی به قتل رسید. از نظر فدائیان، مخالفت رزم‌آرا با ملی شدن نفت، شهادی بر این مدعا بود که او عامل انگلیس است. همچنین به دلیل تنش‌های گذشته بین رزم‌آرا و شاه، فوراً شایعاتی پخش شد مبنی بر اینکه ردپای دربار نیز در این قتل دیده می‌شود (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۱۰۲).

اتحاد شوروی و حزب توده ایران، آمریکا را به دست داشتن در ترور رزم‌آرا متهم کردند. روزنامه پروادا^۱ (ارگان رسمی حزب کمونیست شوروی) نوشت: «او توسط محافظان نزدیک به آمریکایی‌ها به قتل رسید... رزم‌آرا می‌خواست مناسبات ایران و شوروی را بهبود بخشد... تنها آمریکایی‌ها از نابودی رزم‌آرا سود می‌بردند». هرچند از دیدگاه شوروی، رزم‌آرا درصدد حل و فصل مسئله نفت به سود بریتانیا بوده و می‌خواست است آمریکایی‌ها را از نفت ایران دور نگاه دارد و آمریکایی‌ها هم توطئه ترور او را طرح نمودند. به نوشته همایون کاتوزیان، همین بحث در روزنامه «به سوی آینده» نیز یک ماه بعد دوباره مطرح شده است: «به محض اینکه معلوم شد وجود رزم‌آرا نخست‌وزیر به نفع ایالت متحده نیست، در مسجد [شاه] تهران با چند گلوله به زندگی او خاتمه داده شد» (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱۶۲-۱۶۱).

محمد رضا شاه برای کاهش تنش‌ها، حسین علا (معین‌الوزرا) وزیر دربار معتمد خود را برای تشکیل کابینه فراخواند و تلاش کرد تا از طریق تخصیص چند پست در کابینه، رفتار جبهه ملی را تعدیل کند. علا پس از رایزنی با مصدق، وزارت دادگستری را به امیر علایی و وزارت فرهنگ را به احمد زنگنه تکنوکرات نزدیک به حزب ایران سپرد. درست هنگامی که علا در حال گردهم‌آوردن کابینه و جلب نظر جبهه ملی بود، کشور در شوک اعتصاب عمومی گسترده صنعت نفت فرورفت (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۱۰۳-۱۰۴).

این اعتصاب تاثیر شگرفی بر تسریع روند ملی شدن صنعت نفت گذاشت و در نهایت در ۲۹ اسفند ۱۳۲۹، یعنی در آستانه نوروز، توسط اکثریت قریب به اتفاق نمایندگان دو مجلس سنا و شورا و در میان شادی و شور مردم ملی شدن نفت ایران به تصویب رسید (کاتوزیان، ۱۳۷۱: ۱۸۱).

¹ Pravda

چارچوب نظری تحقیق

در عصر کنونی رسانه‌ها از اهمیت بسزایی برخوردارند؛ چراکه با قدرتی که در خود دارند می‌توانند منشاء تغییر و تحولات گسترده‌ای باشند. اصلی‌ترین کار یک رسانه تولید محتوای رسانه‌ها توسط افراد و گروه‌های معین تولید و انتخاب می‌شود و معقول به نظر می‌رسد که این محتوا از نیت و نگرش‌های آنها سرچشمه می‌گیرد. سازمان‌های رسانه‌ای سیاست‌ها و اتحادهای مختلفی را تعقیب می‌کنند و برای روشن ساختن نقش ارتباط‌سازان و توصیف محتوا می‌توان از طبقه‌بندی ساده (مثلاً ستون‌های آگهی و سرمقاله در روزنامه) تا تجزیه و تحلیل ارزش‌ها و ایدئولوژی‌های پنهان در متن را مورد استفاده قرار داد (مک کوئل، ۱۳۸۸: ۲۵۴-۲۵۵).

در این پژوهش، با استفاده از نظریه چارچوب‌سازی مفاهیم کلیدی تحقیق تعریف شدند. «گافمن^۱ چارچوب را الگویی پیشینی در ذهن می‌داند که افراد با استفاده از آن می‌توانند تجربه‌های زندگی خود را با قراردادن در این قاب‌ها معنادار سازند» (زابلی‌زاده به نقل از رویگروک، ۱۳۹۳: ۲۱ الف). همچنین از تاد گیتلین^۲ «چارچوب‌ها عمدتاً بحث نشده و تأیید نشده هستند و دنیا را برای روزنامه‌نگارانی که آن را گزارش می‌کنند و مهم‌تر از آن برای ما که متکی بر گزارش‌های آنها هستیم، سازماندهی می‌نمایند» (زابلی‌زاده به نقل از فریدلند و زانگ، ۱۳۹۳: ۱۱۱ ب).

چارچوب‌ها به روند انتقال معنادار رخدادها کمک می‌کنند، برای همین، کارکرد آنها سازماندهی تجربیات و هدایت کنش‌هاست. چارچوب‌های کنش جمعی همچنین این کارکرد تفسیری را با ساده‌سازی و تلخیص جنبه‌های «جهان بیرونی» انجام می‌دهند، اما به‌شکلی صورت می‌گیرد که هدف آن بسیج طرفداران و کنش‌گران بالقوه، جلب حمایت ناظران بی‌طرف و منفعل کردن مخالفان باشد. لذا چارچوب‌های کنش جمعی، مجموعه عقاید و معانی کنش محوری هستند که باعث الهام‌بخشی و مشروعیت‌دهی به فعالیت‌ها و کمپین‌های یک سازمان اجتماعی خواهند شد (زابلی‌زاده به نقل از اسنو و بنفورد، ۱۳۹۳: ۱۳۵ ب).

تعیین چارچوب مبتنی بر این فرض است که چگونه موضوعی که در گزارش‌های خبری به تصویر کشیده می‌شود، می‌تواند بر چگونگی درک آن از سوی مخاطب تأثیر داشته باشد. منشأ تعیین چارچوب به روان‌شناسی و جامعه‌شناسی باز می‌گردد. خاستگاه اولیه روان‌شناختی برای تعیین چارچوب در کار تجربی کاهنمن و تورسکی^۳ (۱۹۷۹-۱۹۸۴) مجسم است. هر دوی آنها به

¹ Goffman

² Todd Gitlin

³ Kahneman & Tversky

این مسئله پرداخته‌اند که چگونه بازنمایی‌های متفاوت از سناریوهای تصمیم‌گیری یکسان، بر انتخابات مردم و ارزیابی آنها از گزینه‌های مختلفی که به آنها ارائه می‌شود، تأثیر می‌گذارد. اساساً بنیان‌های جامعه‌شناختی تعیین چارچوب توسط گافمن (۱۹۷۴) و دیگرانی پایه‌گذاری شد که معتقد بودند، افراد نمی‌توانند به درک کامل از جهان دست یابند و پیوسته در تلاش هستند تا تجربه‌های زندگی خود را تفسیر کنند و به جهان اطراف خود معنا بخشند (همان: ۲۱).

روش‌شناسی پژوهش

برای بررسی محتوای دو روزنامه، از روش تحلیل محتوای کمی استفاده شد. در تعریف تحلیل محتوای کمی آمده است «تحلیل محتوا روشی است که برای مطالعه و تحلیل پیام‌های ارتباطی به صورت منظم، عینی، کمی و کیفی مورد استفاده قرار می‌گیرد» (بدیعی، ۱۳۷۱: ۳۴). در این روش، پیام‌های ارتباطی به‌طور یکسان در تمام واحدهای تحقیق، بدون در نظر گرفتن مکان و زمان، با نوعی عینیت مورد استفاده قرار می‌گیرند؛ به گونه‌ای که اگر پژوهش تکرار شود، صحت نتایج براساس داده‌های آماری تأیید می‌شود. کرلینجر نیز یادآور می‌شود که تمرکز بر محتوا آشکار، محقق را از تبیین دقیق ارتباط محتوا با مفاهیم نظری بی‌نیاز نمی‌کند (رایف، لیس، فیکو، ۱۳۹۳: ۲۴).

برنارد برلسون^۱ را باید نخستین پژوهشگری دانست که در سال ۱۹۵۲ در کتاب خود به نام «تجزیه و تحلیل محتوا در تحقیقات ارتباطی» برای نخستین بار تعریف دقیقی از این روش به‌دست داد و اصول و قواعد آن را مشخص کرد. برلسون تجزیه و تحلیل محتوا را روشی برای تشریح عینی، منظم و کمی محتوای آشکار ارتباطات دانست. براساس این تعریف تجزیه و تحلیل محتوا دارای چهار ویژگی اساسی «عینی‌بودن»، «منظم‌بودن»، «آشکاربودن» و «کمی‌بودن» است (معمدنزاد، ۱۳۵۶: ۷۴-۸۳).

سابقه تحلیل محتوا در ایران هم به سال‌های دهه ۱۳۴۰ باز می‌گردد. نخستین بررسی در مورد موضوع‌های مندرج در روزنامه‌های ایران، به‌وسیله مسعود برزین انجام شد. وی روزنامه‌های صبح و عصر تهران را از جهت نسبت و میزان مطالب بررسی کرد (همان: ۲۵۷).

جامعه آماری

در این تحقیق از روش نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند بهره جستیم. به این صورت که کلیه مطالب مربوط به ملی‌شدن صنعت نفت در صفحات نخست دو روزنامه باختر امروز و بسوی آینده، یک ماه قبل و بعد از ملی‌شدن صنعت نفت، جامعه آماری این تحقیق را تشکیل می‌دهد.

^۱ Berelson

روزنامه بسوی آینده

روزنامه بسوی آینده، با صاحب‌امتیازی محمود ژندی در نخستین شماره به تاریخ ۱۰ اردیبهشت سال ۱۳۲۹ منتشر شد. این روزنامه، در زمره روزنامه‌های پُرتیراژ و ارگان رسمی حزب توده ایران بود. طی سال‌های پس از ملی‌شدن صنعت نفت تا سقوط حکومت دکتر مصدق، چندین بار توقیف شد. در زمان توقیف روزنامه بسوی آینده، روزنامه‌های دیگری با عنوان‌هایی همچون: دژ، روزنه، گیلان، جرس، مستحکم، نقش ایران، جهان‌بین، علاج، قیام مردم، بسوی بیداری، نوید آینده، آذر، صلح پایدار، مجازات، پرچم صلح، مجمر، رها، هدایت، رستاخیز خلق، راهنمای ملت، آخرین نبرد، صبح تابان، عصر نو، مبارزان، ضد استعمار، راهنمای ملت، رهبر مردم، آخرین علاج، رزم‌آوران، سرانجام، پیوند ما، روش خلق، فردای ما، وحدت آسیا، رها، شرق پیروز، دموکراسی نوین، صبح زندگی، اردوی صلح، نغمه، صلابت شرق، در راه زندگی، قرن جدید، جهان ما، سرود فردا، جنگ قلم، ارزش انتشار پیدا می‌کرده است.

روزنامه باختر امروز

باختر امروز یک روزنامه رادیکال سیاسی، اجتماعی و خبری چاپ عصر در تهران بود. نخستین شماره این روزنامه در ۸ مرداد ۱۳۲۸ منتشر شد و حسین فاطمی بنیانگذار و سردبیر آن بود. این روزنامه، به‌عنوان پایگاه غیررسمی جبهه ملی ایران شناخته می‌شد و در دوران ملی‌شدن صنعت نفت، نقش مهمی در آگاهی‌رسانی، بسیج افکار عمومی و بازتاب افکار باطنی زمامداران حکومت در داخل و خارج کشور را برعهده داشت. باختر امروز تا روز وقوع کودتا علیه دولت محمد مصدق در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ چاپ شد و در مدت کوتاه انتشارش، چند بار توقیف شد. حسین فاطمی وزیر امور خارجه دولت ملی دکتر مصدق بود که در جریان کودتای ننگین ۱۳۳۲ اعدام شد (بهشتی‌پور، ۱۳۷۶: ۱۵۱-۱۵۲).

تعاریف عملی متغیرها

۱- موضوع خبر: در این پژوهش، موضوع خبر به‌صورت زیر کدگذاری شده است:

سیاست داخلی: منظور از سیاست داخلی، کلیه اعمال، رفتار و بحث‌هایی است که حول شخصیت‌ها و مسائل داخلی کشور مطرح می‌شود.

سیاست خارجی: منظور از سیاست خارجی، کلیه اعمال، رفتار و بحث‌هایی است که حول شخصیت‌ها و مسائل خارجی کشور مطرح می‌شود.

اقتصادی: منظور مسائل مربوط به اقتصاد و نفع مادی در ملی‌شدن صنعت نفت می‌باشد.

اجتماعی: منظور هرگونه تظاهرات و مسائل عمومی مربوط به ملی‌شدن صنعت نفت می‌باشد.

نظامی، جنگی و خشونت‌های سیاسی: منظور هرگونه حملات نظامی، ترور و اعدام اشخاص است.

سایر: تمام مسائلی که در دسته‌بندی‌های بالا جای نمی‌گیرد.

۲- محتوای مطلب: محتوای مطلب در مورد ملی‌شدن صنعت نفت ایران به‌صورت زیر کدگذاری شدند:

مثبت: هرگونه مطلبی که در تأیید ملی‌شدن صنعت نفت تلقی شود.

منفی: هرگونه مطلبی که علیه ملی‌شدن صنعت نفت تلقی شود.

خنثی: مطلبی که درباره‌ی موضوع ملی‌شدن نفت است، ولی درچارچوب سیاست‌های دو حزب نباشد.

بی‌طرف یا بالانس: مطلبی که به ملی‌شدن صنعت نفت مربوط می‌شود، اما در آن مطلب نظر موافق و مخالف به یک اندازه پرداخته شده است.

۳- سبک مطلب: سبک مطلب در مورد ملی‌شدن صنعت نفت ایران به‌صورت زیر کدگذاری شد:

خبر: گزارش‌های رسمی است درباره رویدادهایی که برای مخاطبان هدف مهم تلقی می‌شوند و معمولاً به محض اینکه اطلاعات در دسترس قرار می‌گیرد، منتشر می‌شوند. معمولاً توقع بر این است که خبر به‌مثابه یک ژانر در هر رسانه‌ای در حالت ارتباطات استنادی و اطلاع رسانی قرار داشته باشد و به‌صورت دقیق و عاری از جانبداری عرضه شود (شکرخواه، ۱۳۹۱: ۲۰).

تفسیر و تحلیل: زمانی که روزنامه قصد دارد بر رویداد مورد نظر تحلیلی ارائه دهد یا در واقع نسبت به رویداد دارای موضع است (بدیعی و قندی، ۱۳۹۱: ۳۲۹).

گزارش: گزارش روایت هنرمندانه، صادقانه، واقع‌بینانه و آگاهی‌بخش زندگی است روایت رویدادهای واقعی، آدم‌های واقعی. حکایت‌ها و مسائل واقعی روایتی نقادانه موشکافانه و درعین حال بیطرفانه و منصفانه از واقعیت است (فرقانی، ۱۳۹۲: ۱۷).

مصاحبه: مصاحبه یکی از انواع خبرگیری مستقیم است که به‌وسیله آن، عقاید و افکار شخصیت‌های مهم جامعه یا نظرهای مردم عادی کوچه و بازار را درباره موضوعات مختلف، به‌ویژه مسائل روز به‌دست می‌آورند. درحقیقت، مصاحبه‌کننده، به‌عنوان نماینده استفاده‌کنندگان وسایل ارتباطات جمعی است که امید ملاقات و مذاکره مستقیم با مصاحبه‌شونده را ندارند؛ بنابراین

مصاحبه‌کننده، به‌عنوان نماینده آنان درباره مسائل مهم و موضوعاتی که مایل‌اند بدانند، اطلاعات به‌دست می‌آورد (محسنیان‌راد، ۱۳۹۲: ۷۶).

سرمقاله یا مقاله: نگارش و توسعه عقیده، فکر و نظر با استفاده از موضوع خبری و بهره‌گیری از روش‌های صحیح نویسندگی، با رعایت نظم منطقی و ایجاز مقاله مطبوعاتی نامیده می‌شود (قندی، ۱۳۸۳: ۳۷).

سایر: آنچه را که نتوان در هیچ یک از زیرمقوله‌های بالا قرارداد.

۴- سوگیری تیترو: سوگیری تیترو در مورد ملی‌شدن صنعت نفت ایران به‌صورت زیر کدگذاری می‌شود.

مثبت: هرگونه تیترو که در تأیید ملی‌شدن صنعت نفت تلقی شود.

منفی: هرگونه تیترو که علیه ملی‌شدن صنعت نفت تلقی شود.

خنثی: تیترو که آنچنان به موضوع ملی‌شدن مربوط نمی‌شود.

بی‌طرف یا بالانس: تیترو که به ملی‌شدن صنعت نفت مربوط می‌شود، اما در آن مطلب نظر موافق و مخالف به یک اندازه پرداخته شده است.

یافته‌های پژوهش

پس از تحلیل محتوا مطالب این دوروزنامه در یک ماه قبل و بعد از ملی‌شدن صنعت نفت نتایج زیر حاصل شد.

یافته‌های تحقیق در چهار جدول و در پاسخ پرسش اصلی تحقیق به شرح زیر ارائه می‌شود:

الف) مقایسه دو نشریه باختر امروز و به‌سوی آینده از نظر جهت‌گیری مطالب صفحه اول

در پاسخ به سؤال اول پژوهش، طبق جدول شماره ۱ می‌توان گفت: این دو نشریه از نظر سوگیری مطالب، جهت‌گیری کاملاً متفاوتی داشته‌اند. بر اساس داده‌های موجود ۷۸/۲ درصد اخبار منتشره در مورد ملی‌شدن صنعت نفت که در روزنامه باخترامروز به چاپ رسیده مثبت بوده و این در صورتی است که ۴۲/۶ درصد اخبار بسوی آینده مثبت بوده است. در نتیجه می‌توان دریافت که روزنامه باخترامروز، در مقایسه با روزنامه بسوی آینده جهت‌گیری مثبت‌تری نسبت به موضوع ملی‌شدن صنعت نفت داشته است.

جدول شماره ۱: جهت‌گیری مطالب صفحه اول روزنامه‌های بسوی آینده و باختر امروز

جهت‌گیری مطالب روزنامه		مثبت		منفی		خنثی		بی‌طرف / بالانس	
فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد
۴۶	۴۲/۶	۱۰	۹/۳	۲۴	۲۲/۲	۲۸	۲۵/۹		
۱۰۴	۷۸/۲	۱	۰/۸	۲۶	۱۹/۵	۲	۱/۵		

ب) مقایسه نشریه بسوی آینده و باختر امروز از نظر موضوع خبر

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش، طبق جدول شماره ۲ می‌توان گفت: در مورد موضوع خبر هر دو روزنامه، بیشترین موضوع خبری که مورد توجه قرار داده‌اند، سیاست خارجی می‌باشد که روزنامه بسوی آینده با ۳۲/۴ درصد از مطالب خبری خود و روزنامه باختر امروز ۴۵/۲ درصد از مطالب خبری خود که مربوط به ملی‌شدن صنعت نفت بوده را به امور خارجی اختصاص داده‌اند. این موضوع بیانگر اهمیت موضوع سیاست خارجی نزد هر دو روزنامه می‌باشد.

جدول شماره ۲: جهت‌گیری مطالب خبری براساس موضوع خبر صفحه اول روزنامه‌های

بسوی آینده و باختر امروز

موضوع خبر روزنامه	سیاست داخلی		سیاست خارجی		اقتصادی		اجتماعی		نظامی، جنگ و خشونت‌های سیاسی	
	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد	فرآوانی	درصد
بسوی آینده	۲۸	۲۵/۹	۳۵	۳۲/۴	۶	۵/۶	۲۸	۲۵/۹	۱۱	۱۰/۲
باختر امروز	۵۱	۳۷/۸	۶۱	۴۵/۲	۶	۴/۴	۱۱	۷/۴	۷	۵/۲

ج) مقایسه نشریات بسوی آینده و باختر امروز از نظر سبک مطلب

در پاسخ به سؤال سوم پژوهش، طبق جدول شماره ۳ می‌توان گفت: هر دو روزنامه باختر امروز و بسوی آینده، بیشترین سبکی که مورد استفاده قرار داده‌اند، سبک‌های مقاله و سر مقاله بوده که روزنامه باختر امروز ۳۴/۱ درصد از مطالب خود و روزنامه بسوی آینده ۳۲/۴ درصد از مطالب خود را به مقاله و سرمقاله انتشار یافته اختصاص داده است.

جدول شماره ۳: مقایسه نشریات بسوی آینده و باختر امروز از نظر سبک مطلب

سبک مطلب روزنامه	خبر		تفسیر و تحلیل		گزارش		مصاحبه		مقاله و سرمقاله		سایر	
	ع	فراوانی	ع	فراوانی	ع	فراوانی	ع	فراوانی	ع	فراوانی	ع	فراوانی
بسوی آینده	۶/۵	۷	۳۱/۵	۲۱	۱۹/۴	۲	۱/۹	۳۵	۳۲/۴	۹	۸/۳	
باختر امروز	۲۵/۸	۳۴	۸/۳	۲۷	۲۰/۵	۸	۶/۱	۴۵	۳۴/۱	۷	۵/۲	

د) مقایسه دو نشریه بسوی آینده و باختر امروز از نظر سوگیری تیتیر

در پاسخ به سؤال چهارم پژوهش پس از کدگذاری دو روزنامه مذکور، طبق جدول شماره ۴ می‌توان گفت: بر اساس آمار و ارقام ۷۰/۱ درصد تیتیرهای روزنامه باختر امروز مثبت بوده است. این درحالی است که فقط ۳۸ درصد تیتیرهای روزنامه بسوی آینده مثبت بوده و نشان از مواضع مثبت‌تر روزنامه باختر امروز نسبت به روزنامه بسوی آینده می‌باشد.

جدول شماره ۴: سوگیری تیتیرهای صفحه اول روزنامه‌های بسوی آینده و باختر امروز

سوگیری تیتیر روزنامه	مثبت		منفی		خنثی		بی‌طرف / بالانس	
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی
بسوی آینده	۳۸	۴۱	۷/۴	۸	۲۶/۸	۲۹	۳۰	۲۷/۸
باختر امروز	۷۰/۱	۹۴	۱/۵	۲	۲۷/۷	۳۷	۱	۰/۷

نتیجه‌گیری

پوشش اخبار در مطبوعات آن هم از نوع حزبی آن از اهمیت بسزایی برخوردار است. زیرا چگونگی بازتاب رویدادهای خبری می‌توانند به شکل‌گیری افکار عمومی روی موضوعات خاص و در شرایط سیاسی ویژه تأثیرگذار باشند. از همین رو یکی از مهم‌ترین تکنیک‌های رسانه‌ای بحث چارچوب‌سازی اخبار می‌باشد که این پژوهش با مبنا قرار دادن این نظریه، به مطالعه نحوه پوشش خبری روزنامه‌های حزبی باختر امروز و بسوی آینده پرداخت. هدف از به‌کاربردن نظریه چارچوب‌سازی، فهم تفاوت‌های اخبار منتشره در روزنامه‌های مورد بررسی در زمان ملی‌شدن صنعت نفت بود. نتایج حاکی از چارچوب‌سازی‌های متفاوت، قبل و بعد از ملی‌شدن صنعت نفت از وقایع آن روزگار به‌منظور خلق نظام معنایی خاص برای مخاطبان بوده است.

نتایج این تحقیق نشان داد که در جریان رویداد ملی شدن صنعت نفت ایران، روزنامه‌های باختر امروز و بسوی آینده به‌عنوان دو روزنامه حزبی سیاسی، هر یک منعکس‌کننده دیدگاه‌های دو تشکل سیاسی مؤثر زمان خود بوده‌اند؛ اولی دیدگاه‌های جبهه ملی ایران را که حامی دولت مصدق بوده است و دیگری روزنامه بسوی آینده که منعکس‌کننده نظرات حزب توده ایران بوده است. به‌رغم تفاوت‌های سیاسی دو نشریه در انعکاس یک رویداد ملی، هر دو کنشگرانی فعال در ارتباط با این رویداد ملی بوده‌اند.

از مرور تاریخی در این مقاله می‌توان نتیجه گرفت که اگر جریان ملی‌شدن صنعت نفت را به‌صورت یک فرآیند تاریخی در نظر بگیریم، باید به تأثیرات مطبوعات سیاسی طرفدار حزب توده ایران در کارزار ملی‌شدن صنعت نفت ایران اشاره کنیم که این اعتراض‌های عمومی با پیشنهاد و پشتیبانی حزب صورت می‌گرفت. در سال‌های منتهی به ملی‌شدن صنعت نفت، باز هم این حزب توده ایران است که با راه‌اندازی اعتصابات صنفی چرخ صنعت نفت را از حرکت بازایستاند و نقش مهمی در عملی شدن این خواسته‌ها ایفا کرد، اما روشن است که همه فعالیت‌های این حزب مثبت نبوده و در مقابل اقداماتی نیز توسط آن‌ها انجام شده که مورد نقد است از جمله در زمانی که گفتارادزه نماینده شوروی پیشنهادی برای امتیاز نفت در مناطق شمالی را داد، حزب توده برخلاف رویه قبلی خود که با هرگونه امتیازدادنی به خارجی‌ها مخالف بود، در مورد این پیشنهاد منافع ملی را نادیده و از پیشنهاد شوروی دفاع کرد تا جایی که به هواداری از درخواست امتیاز شوروی و به مخالفت با امتناع دولت از قبول آن به تظاهرات وسیع خیابانی دست زد.

جبهه ملی ایران نیز که از حمایت دانشجویان، پیشه‌وران، تجار بازار و بعضی از رهبران مذهبی برخوردار بود اقدامات مهمی را انجام داد. از جمله می‌توان به تشکیل فراکسیون وطن در مجلس شانزدهم اشاره کرد. همچنین این تشکل فراگیر اقدامات مهمی در تهییج افکار عمومی و در راستای خواست عمومی جامعه برای ملی کردن صنعت نفت انجام داد.

در نهایت، با بررسی دو روزنامه بسوی آینده و باختر امروز، می‌توان به این نتیجه رسید که روزنامه باختر امروز بیش از روزنامه بسوی آینده در جریان ملی‌شدن صنعت نفت نقش آفرینی مثبت داشته است. یافته‌ها نشان داد که سهم مطالب خبری مثبت مرتبط با ملی‌شدن صنعت نفت در یک‌ماهه قبل و بعد از روز ۲۹ اسفند ۱۳۲۹ در دو روزنامه تفاوت چشمگیری داشته‌اند، به‌طوری که رقم ۷۸/۲ درصد اخبار منتشره درباره ملی‌شدن صنعت نفت - که در روزنامه باختر امروز به چاپ رسیده - مثبت بوده است، در حالی که روزنامه بسوی آینده، رقم ۴۲/۶ درصد اخبارش که در مورد ملی‌شدن صنعت نفت بوده جهت‌گیری مثبت داشته است.

از نظر موضوع خبر، هر دو روزنامه مورد بررسی، بیشترین توجه‌شان به سیاست خارجی بوده است. روزنامه باختر امروز ۴۵/۲ درصد از مطالب خبری خود را به سیاست خارجی مربوط به ملی شدن صنعت نفت اختصاص داده است و در مقابل سهم روزنامه بسوی آینده ۳۲/۴ درصد بوده است.

دو روزنامه مورد بررسی هر دو از سبک مقاله و سرمقاله بیش از دیگر سبک‌ها، برای پوشش اخبار مربوط به ملی شدن نفت استفاده کرده‌اند که سهم روزنامه باختر امروز ۳۴/۱ درصد و سهم روزنامه بسوی آینده ۳۲/۴ درصد بوده است. بالا بودن این فراوانی حاکی از نقش مهم و برجسته سهم مطالب تفسیری در روزنامه های حزبی است.

دو روزنامه از نظر سوگیری تیترهای خبری نیز با یکدیگر متفاوت بوده‌اند. نتایج حاکی از آن است که ۷۰/۱ درصد تیترهای روزنامه باختر امروز مثبت بوده است در مقابل تنها ۳۸ درصد تیترهای روزنامه بسوی آینده مثبت بوده است.

آنچه از نتایج مرور تحلیلی-تاریخی و بررسی محتوای کمی دو روزنامه حزبی باختر امروز و بسوی آینده برمی آید نشان از آن دارد که اگرچه روزنامه ارگان حزب توده ایران اقدامات مهمی جهت انعکاس مبارزات ملی کردن صنعت نفت انجام داده است اما نقش و سهم روزنامه جبهه ملی ایران در فرایند ملی کردن صنعت نفت با سیاستهای دولت مصدق که نمایندگی مردم را دارد همسوتر بوده است.

منابع

- آبراهامیان، پرواند (۱۳۹۲) کودتای ۲۸ مرداد، سازمان سیا و ریشه‌های روابط ایران و آمریکا در عصر مدرن، ترجمه محمد ابراهیم فتاحی، تهران، نشر نی.
- افخمی، حسین (۱۳۸۳) «احزاب سیاسی، مطبوعات حزبی و روزنامه‌های مستقل»، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران: نشر کلمه.
- بدیعی، نعیم (۱۳۷۱) «ساختار اخبار خارجی در روزنامه‌های تهران»، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۴۰۳، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی.
- بدیعی، نعیم؛ قندی، حسین (۱۳۹۱) روزنامه‌نگاری نوین، تهران: علامه طباطبایی.
- بهشتی‌پور، مهدی (۱۳۷۶) تاریخ جراید و مجلات ایران، تهران: روزنه‌کار.
- ذوالفقاری، علی (۱۳۹۳) نقش مطبوعات در مناقشات سیاسی ایران معاصر، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.
- رایف، دانیل؛ لیبی، استفن؛ فیکو، فریدریک جی (۱۳۹۳) تحلیل پیام‌های رسانه‌ای، کاربرد تحلیل محتوا کمی در تحقیق، ترجمه مهدخت بروجردی، تهران: انتشارات سروش.
- روحانی، فواد (۱۳۵۳) تاریخ ملی‌شدن صنعت نفت ایران، تهران: انتشارات شرکت سهامی کتاب‌های جیبی.
- زابلی‌زاده، اردشیر (۱۳۹۳- الف) جنگ روایت‌ها، تهران: انتشارات مرکز تحقیقات صدا و سیما.
- زابلی‌زاده، اردشیر (۱۳۹۳- ب) چارچوب‌بندی، خبر و رسانه، تهران: انتشارات دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
- شکرخواه، یونس (۱۳۹۱) خبر، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
- شهبازی، جبرائیل (۱۳۹۳) بررسی تطبیقی مواضع و عملکرد انگلیس و آمریکا در جریان ملی‌شدن صنعت نفت ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- علم، مصطفی (۱۳۷۱) نفت، قدرت و اصول ملی‌شدن نفت ایران و پیامدهای آن، ترجمه غلامحسین صالحیار، تهران: انتشارات اطلاعات.
- فتحی، شهرام (۱۳۷۹) سیاست آمریکا در قبال ملی‌شدن صنعت نفت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- فرقانی، محمدمهدی (۱۳۹۲) گزارش‌نویسی، چشم عقاب روزنامه‌نگاری، تهران: انتشارات اطلاعات.
- قندی، حسین (۱۳۸۳) مقاله‌نویسی در مطبوعات، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- کاتوزیان، همایون (۱۳۷۱) مصدق و نبرد قدرت، ترجمه احمد تدین، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.
- محسنیان‌زاد، مهدی (۱۳۹۲) روش‌های مصاحبه خبری، تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.
- مدنی، جلال‌الدین (۱۳۷۸) تاریخ سیاسی معاصر ایران، جلد اول، تهران: انتشارات اسلامی.

- معتمدنژاد، کاظم (۱۳۵۶) روش تحقیق در محتوای مطبوعات، تهران: دانشکده علوم ارتباطات اجتماعی.
- مک کوئل، دنیس (۱۳۸۸) درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی، ترجمه پرویز اجلالی، تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه‌ها.
- مکوندی، محمدرضا (۱۳۹۲) نقش کارکنان مناطق نفت خیز جنوب در روند ملی‌شدن صنعت نفت، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی.
- موحد، محمد علی (۱۳۷۸) خواب آشفته نفت دکتر مصدق و نهضت ملی ایران، جلد اول، تهران: نشر کارنامه.

- Afkhami, Gholamreza (2009) The Life And Times Of The Shah, California: University of California Press, Ltd.
- Farmanfarmaian, Manucher (1997) Blood and Oil, London: Prion Books Limited Imperial Works.
- Henniker, Edward (2013), Nationalization: the Anglo-Iranian Oil Company, 1951: Britain, vs. Iran, Seven pillars Institute Moral Cents Vol. 2, Issue 2.
- Zabih, Sepehr (1982) The Mossadegh Era, Chicago: West Lake press.